آب در کوزه و ما گرد جهان می‌گردیم

در گذشته نه چندان دور کوچکی و بزرگی حساب دیگری داشت و حرف شنوی یکی از محور های زندگانی بود و از سویی دیگر خانواده با نقش محوری سبب می شد، همه افراد در آن به آرامش برسند. در روزگار ما آرامش کالای نایابی شده است، که در هر کوی و برزن دنبال آن می گردیم، مگر در آنجایی که باید به جستجوی آن بپردازیم. باید به این نکته توجه کرد که زمانه ما در حال تغییر و تبدیل سریع است و بسیاری از مسائل از گذشته متفاوت شده است. در این روزگار راه خود را گم کرده ایم و برای یافتن آرامش به همه جا سر می زنیم. به نوعی به یاد آن مثل قدیمی می افتیم که آب در کوزه و ما گرد جهان می گردیم. امروزه تلقی بدین سو می رود که درک و زبان مشترکی در بین افراد خانواده وجود ندارد و خواسته یا ناخواسته رو به افرادی می آورند که شاید هیچ سود و خیری برای آنان نداشته و این دوستی های خاص ممکن است سبب گرفتاری فرد گردد.

تفکر و ایمان

به نظر می رسد تفکر و ایمان بهترین راه ها برای کنترل و مدیریت خودمان است و باید بدانیم اگر هیجانات کنترل نشود این دو عنصر نمی توانند کمک شایسته ای به ما بکنند. باید بدانیم وقتی هیجانات فردی برانگیخته می شود و خود را در مواجهه با رویداد های مختلف می بیند، نیازمند کنترل هوشمندی است تا بتواند خود را از این بزنگاه ها عبور دهد.

تلخی ها را شیرین کنیم

رخداد های مختلفی اعم از بد و خوب در زندگی آدمی اتفاق می افتد که برخورد درست و به جا و به اندازه می تواند سبب بهره برداری و موفقیت گردد و انسان باید برای دوستی و دشمنی خود هم ملاک قرار دهد. خود را در این جهت مورد سوال قرار دهد چرا؟چقدر؟چطور؟ این سوالات کلیدی سبب تعادل ما شده و ما را از افراط و تفریط دور می گرداند. ما باید در اتفاق های مثبت و منفی زندگی و از رخداد های تلخ و شیرین زندگی درس بگیریم و به اندیشه و علت یابی آنها بپردازیم. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: نتیجه تفکر این است که پنهانی های کار آشکار می گردد و در جایی دیگر می فرمایند نتیجه اندیشیدن آرامش روانی است.

منصفانه بیاندیشید

تفکر در امورات جاری زندگی سبب می شود، انسان کمتر از هیجانات آنی و عصبانیت های لحظه ای به مشکل بر خورده و مسائل برای شخص روشن تر می گردد. باید دانست هرچه فرد منطقی و متعادل باشد و نسبت به مسائل منصفانه‌تر برخورد کند، هیجانات وی طبیعی و متعادل شده و از عصبانیت نا به جا پرهیز می کند. آدمی وقتی اعماق وجود خود را جستجو می کند، در می یابد که واقع نگری او در موضوعات سبب فهم بهتر و همه جانبه از موضوعات و دریافت دقیق تری می شود.

خشونت و اهداف وصال نیافته

برخی اوقات پیش می آید جوان در قضاوت های خود یک‌جانبه عمل کرده و خواسته هایی دارد که در نسل وی زیاد به چشم می آید. توقعاتی دارد که ممکن است سبب بروز هیجان های افراطی گردد و سبب بروز رفتار های غیر معقول شود، در مقابل می بینیم برخی از هیجانات و احساسات سبب سر زندگی و نشاط ما می شود و کمک می کنند تا به اهداف ارزشمند دست یابیم. این هیجانات را هیجانات مثبت می‌نامند. گاهی نیز هیجاناتی مانع از دستیابی به هدف های ارزشمند می گردند و همراه با عصبانیت و افسردگی ، فشار و خشونت خود را نشان می دهند. این نوع هیجانات انسان را از رسیدن به هدف های متعالی باز داشته و بدین گونه است که به این قسم از هیجانات هیجانات منفی می گویند.

نتیجه کنترل هیجانات؟

به طور کلی نگرش جوان در برخورد با مسائل گوناگون، موجب بروز هیجان ها و احساسات مناسب در روح و متجلی در رفتار وی می گردد. همچنین نگرش سبب ارزیابی او در ارتباط خود و دیگران می شود و این موضوع برای وی واکنش‌های جدیدی را به همراه می آورد. اگر ما منفی‌نگر بوده و همواره احساسات عصبی را تعقیب کنیم، سبب بی‌رغبتی و کسالت در کارها می گردد و اگر ما مثبت‌نگری پیشه کنیم و حسن ظن داشته باشیم سبب اندیشه ای منصفانه و گرایش به صبر و حوصله و دل گرمی در انجام فعالیت ها می گردد. این امرسبب می شود رفتار های متعادل از خود بروز دهیم، این شیوه از سلوک فردی و اجتماعی سبب زندگی با نشاط و سعادتمندانه می گردد و سبب حفظ و مراقبت از ارزش ها می شود.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۵۸

افقی:
۱-بانک‌ها بابت آن جریمه می‌گیرند- از آهنگسازان روسی
۲-درخت زبان گنجشک- خصم- لوس
۳-اسباب- کم- فرزندان
٤-سلاح کاشتنی- یکی از پسران نوح- قلعه- دوست
٥-راست- شکم شیرازی- دریا
٦-بالابر خودرو- کودکان- اولین مؤذن مسلمان
۷-گهواره- کمک کار- کوهی در همدان
۸-ناپخته- عمق- حرف نفی ابد در عربی- پیش‌هنگام
۹-بذر برنج- آبزی معروف- جد
۱۰-لحظه‌ها- زادگاه رئیسعلی تنگستانی- از شاخه‌های موسیقی
۱۱-همکار سوزن- دهان با لحنی توهین‌آمیز- خصلت- خرس آسمانی
۱۲-از بین رفتن- دوستی- نزاع- روشنایی
۱۳-کیسه- فرمانروایان- مقابل
۱٤-رشته کوهی در آمریکا- متخصص- خاندان
۱٥-فلاح گردید- متهم بزرگ نفتی

عمودی:
۱-مترجم- توأم با برخورد فیزیکی شدید
۲-او- اوج تکامل- باغی در بهشت
۳-سلاست- نمونه و مثل و مانند- از رودهای عراقی
٤-گنج- تمدنی قبل از هخامنشیان- منطقه‌ای در تهران- از تقسیمات نظامی
٥-حاصل قطر دایره در عدد پی- جستجو- اثری پیرامون جنگ تحمیلی
٦-حیوان درنده- چیزهای خوشبو و در عین حال دارویی که آنها را بو می‌کنند- پاسخ منفی
۷-غذای شب- عدد فوتبالی- ساکت
۸-گیاه فوتبالی- از ایالت‌های آمریکا- خردمند
۹-پرورش آن مد شده است- از دانه‌های خوشبو- همسایه
۱۰-ناشنوا- از اسباب سفره- سدی در خوزستان
۱۱-جشنواره‌ای سینمایی- استانی شمالی- مخفف اگر
۱۲-نیستی- دارایی- از بازی‌های قدیمی- هنوز واجب نشده
۱۳-رنگ جنگی- از اشکال هندسی- از شخصیت‌های انقلابی الجزایر
۱٤-با عشوه همراه است- قبل از CD رواج داشت- حرف زیادی
۱٥-چپ- رقم- فتح و نصرت

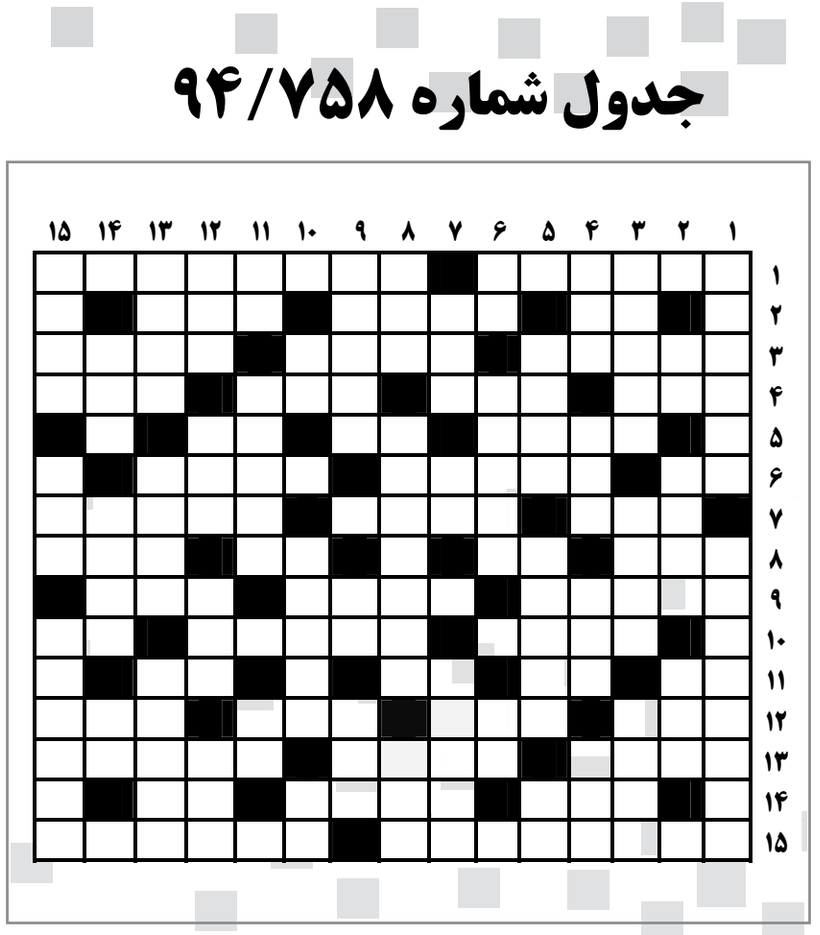

جواب جدول شماره ۹۴/۷۵۷

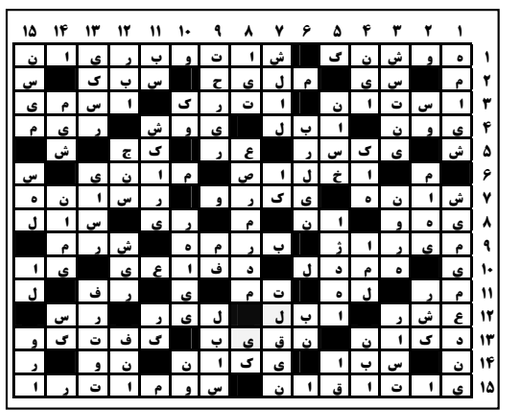

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۳۲

	9		1		8		3	
8		7	2		4			
		2	7				6	8
6			4				1	
3	8						4	7
	4				9			3
1	5				6	9		
			5		2	1		6
	6		9		1		7	

جواب جدول شماره ۹۴/۲۳۱

3	6	4	8	7	5	9	2	1
7	1	5	3	2	9	6	8	4
8	9	2	1	4	6	5	3	7
2	8	6	7	9	4	3	1	5
9	4	1	5	6	3	2	7	8
5	7	3	2	1	8	4	6	9
6	5	8	4	3	7	1	9	2
1	3	7	9	5	2	8	4	6
4	2	9	6	8	1	7	5	3

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره اعلی

حرکت، ذاتی این عالم است. حال، آیا موجودات را در حرکت‌هایشان سر در گم کرده، همین طور یک حرکت‌های بی‌نظم و بی‌حساب دارند؟ یا اینها را به گونه‌ای آفریده که در حرکت‌هایشان هدایت شده هستند و به اصطلاح امروز تکامل‌ها تکامل هدایت شده است؟ مسئله بسیار مهمی‌است.

قرآن می‌گوید اصل هدایت در بطون همه موجودات هست، نه فقط انسان، منتها هر موجودی به نوع خاصی هدایت شده. زمین هم هدایت شده. اگر می‌بینید زمین در مدار خودش می‌چرخد و یک ذره از مدار خودش تجاوز نمی‌کند، خدای متعال در درون او قوا و نیروهایی قرار داده که او را فقط در همین راه خودش می‌کشاند و هدایت می‌کند و یک ذره از راه خودش تجاوز نمی‌کند.

وقتی که به عالم جاندارها می‌رسیم بیشتر برایمان روشن می‌شود. هر گیاهی مجهز است به دستگاه هدایت و هر حیوانی به هدایت بیشتر و انسان به هدایت بیشتر. آخرین هدایت و آخرین مرحله هدایت انسان هدایت نبوت است.

پس چرا کلمه هدی در اینجا آمده؟ چون بعد از این، صحبت از تبلیغ است که هدایت است، یعنی آخرین مرحله.

مرگ موجودات

و الذی اخرج المرعی. فجعله غثاء احوی. «مرعی» از ماده «رعی» است و «رعی» به معنی حفظ و نگهداری است ولی اصطلاحاً به چراگاه حیوانات هم می‌گویند «مرعی» یعنی محل نگهداری که در واقع مقصود محل چریدن است.

کم کم به همه گیاهان گفته‌اند «مرعی»؛ نه محل گیاه بلکه به خود گیاه هم گفته‌اند «مرعی»: و الذی اخرج المرعی آنکه گیاهان را از زمین بیرون می‌آورد. بعد می‌فرماید: فجعله غثاء احوی بعد اینها را خشک و سیاه شده می‌گرداند.

این گیاه‌هایی که در ابتدا سبز و خرم و با طراوت هستند پایان کارشان خشکیدن و سیاه شدن [است.] سرما که می‌آید می‌بینید اغلب برگ‌ها هر چه که به آخر زمستان نزدیک می‌شود سیاه‌تر می‌شوند، مخصوصاً وقتی که سرما زده می‌شوند.

می‌خواهد بفرماید که مسئله مردن، خشکیدن، از بین رفتن، این هم جزء همین نظام و بایستنی‌هاست. اصلاً نظام کامل نمی‌شود مگر با همین مردن‌ها. خیلی واضح هم هست:

اگر آنچه که در عالم وجود دارد مرگ نداشته باشد، یک بار که موجوداتی خلق شدند تا ابد همان‌ها باشند، دیگر نوبت به آمدن موجود دیگری نمی‌رسد. فرض کنید یک بار روی زمین این گیاهان پیدا شد، در و دشت پر از گیاه شد، بعد اینها همین جور بماند، سال دیگر هم همانها باشد، در این صورت خلقت دیگر امتداد پیدا نمی‌کند.

یعنی هزارها و میلیون‌ها اشیاء دیگر امکان وجود در روی زمین پیدا نمی‌کنند. اگر انسان‌هایی که در روی زمین هستند نمیرند، اگر مرگ از روی زمین برداشته شود و فرض کنیم آذوقه هم به انسان‌ها برسد (چون آذوقه وافی نخواهد بود) حساب کرده‌اند، در یک مدت معینی، شاید سه چهار قرن، زمین چنان می‌شود که انسان‌ها فقط امکان ایستادن دارند که به صورت «کتابی» بایستند و نمی‌توانند تکان بخورند، مثل مجلس‌هایی که خیلی ازدحام می‌شود.

تازه، اگر فقط اینها بمانند، بعدش چه؟ اگر مرگ نبود ما هم نبودیم. ما که هستیم از مرگ خودمان غصه می‌خوریم در صورتی که اگر مرگ نبود ما نبودیم. اگر مرگ نبود همان اولی‌ها بودند و تا ابد هم همان اولی‌ها بودند.

ما از نعمت مرگ آنها حیات پیدا می‌کردیم. اگر آنها نمرده بودند که ما نبودیم. اگر گیاه‌ها نمیرند و خشک نشوند که نوبت به گیاه‌های تر و تازه دیگر نمی‌رسد.

برداشتن نسیان از پیامبر (ص)

تا اینجا صحبت تسبیح و توحید است. وقتی گفت تنزیه کن نام پروردگارت را، خصوصاً به این معنا که گفتیم، یعنی با اسم پروردگارت اسم دیگر را نبر، توحید را در مرحله لفظ هم حفظ کن تا چه رسد به مرحله قلب، تا چه رسد به مرحله عمل؛ آن وقت مطلب دیگری را شروع می‌کند:

سنقرئک فلا تنسی. الا ما شاء الله انه یعلم الجهر و ما یخفی. این قسمت خصلت بشری [پیامبر را ذکر می‌کند] که مثل دیگران وقتی چیزی به او گفته می‌شد احیاناً امکان فراموشی برایش بود.

از دو آیه دیگر قرآن استفاده می‌شود که وقتی پیامبر در حالی بود که وحی فرود می‌آمد، از این طرف وحی فرود می‌آمد، هنوز تمام نشده جمله‌ها را تکرار می‌کرد، کأنه می‌خواست که اینها در ذهنش بماند و فراموش نشود.

در یک جا فرمود: و لا تجعل بالقران من قبل ان یقضی الیک وحیه. به قرائت عجله نکن پیش از آنکه وحیش به پایان برسد، یعنی هیچ تلاوت نکن، بگذار وحی به آخر برسد بعد تلاوت کن.

در یک آیه دیگر فرمود: لاتحرک به لسانک لتعجل به. ان علینا جمعه و قرانه. زبانت را حرکت نده برای اینکه عجله داری به تلاوت آنچه بر تو نازل شده است. جمع کردن و ضمیمه کردن اینها، به صورت کتاب درآوردن اینها با خودمان است؛ یعن ما این را ضمانت کرده‌ایم.